



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

هامل : متن قوانین - تصویب نامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخشنامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سؤالات

شنبه ۶ مهرماه ۱۳۲۹

روزنامه پستی
پذیر: سند قمری شاهنشاهی

سال ششم - شماره ۱۶۳۴

صفحه ۱

شماره مسلسل ۶۱

دوره شانزدهم قانونگزاری

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه سی ام شهریورماه ۱۳۲۹
فهرست مطالب:

- ۱) تصویب دو صورت مجلس
- ۲) نطق قبل از دستور آقایان صدرزاده - صدیقی - دکتر مصدق
- ۳) ختم جلسه

مجلس ساعت ده و دوازده دقیقه صبح برپاست آقای دکتر معظمی (نایب رئیس) تشکیل گردید.

۱ - تصویب دو صورت مجلس

نایب رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی نیست؟

اردلان - بنده عرضی داشتم.

نایب رئیس - بفرمائید.

اردلان - اگر اجازه بفرمائید استدعا میکنم مجلس را روشن بفرمائید باینکه ما هشتاد نفر در جلسه گذشته حاضر بودیم چرا جلسه تشکیل نشد؟

نایب رئیس - در جواب آقای اردلان خواستم

مرض کنیم بموجب ماده ۲۰۲ در قیبت رئیس وظایف بعهده نواب رئیس است متأسفانه ما اطلاع نداشتیم که جناب آقای رئیس کسالت دارند این بود که تصادف اینطور شد که جلسه تشکیل نشد البته در آتی مراقبت

خواهد شد (صحب است) آقای فقیه زاده

فقیه زاده - بنده طبق ماده ۳۶ و ۱۶۸ و ۱۶۹ يك تذکری دارم.

نایب رئیس - بعد از تصویب صورت جلسه بفرمائید. آقای شوشتری

شوشتری - در صورت جلسه روز پنجشنبه عبارتی نوشته شده است که چه مهم است و توجه نکرده اند. در خارج شنیدم که بعضی آقایان بمن گفتند جناب آقای جمال امامی آقا زاده مرحوم حاج امام جمعه که پدر ایشان از ارکان روحانیت و مشروطیت بوده اند بنده در بیان خودم اسائه ادبی بایشان کرده ام اولاً بنده بی ادب نیستم (صحب است) و شایسته مقام نمایندگی نیست که نسبت بیک نماینده محترم دیگر

با اسائه ادب صحبت کند بملایم استعدا کردم که خواهش میکنم مشاجره نشود، استدعا میکنم از مشاجرات صرف نظر بشود. حالا چه شده که این تمییر سوء را در خارج کرده اند و میخواهند بین ما القاء نفاق کنند. استدعا میکنم این را اصلاح بفرمائید.

نایب رئیس - کدام کلمه است؟

شوشتری - نوشته بس کن، اول کن، بنشین نایب رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود آقای دکتر مصدق نسبت بصورت جلسه اعتراضی دارید؟ (دکتر مصدق - بلی) بفرمائید

دکتر مصدق - در دو جلسه قبل که بنده يك عرایضی در مجلس کردم يك شرحی در اینجا نوشته شده که با آنچه بنده عرض کردم مطابقت نمی کند. اینجا نوشته است که او می خواهد بفض مردم را بیک نفر بسیار متولبی انصافی توجه بدهد که این شخص یا بدست آن مردمی که نسبت باو بفض کرده اند کشته میشود یا با همین کارهایی که ایشان در رکن دوم کرده اند «» این ایشان يك ضمیمی است که مربوط بآقای سیهبد رزم آرا میشود و بنده همچو عرضی نکردم بنده عرض کردم که رکن دوم کرده است و این را خواهش میکنم که اصلاح بشود.

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای معذل

معذل - بنده يك سئوالی از دولت کرده ام که

این سؤال در صورت مجلس منعکس نشده است. از مقام ریاست سئوال کردم که چرا در صورت مجلس منعکس نشده گفته خوانده نشده در حالی که سئوالی که داده میشود باید در صورت مجلس منعکس شود یعنی دارم امر بفرمائید این سئوال را هم در صورت مجلس منعکس کنند وهم بدولت تأکید کنند که برای جواب حاضر شود.

نایب رئیس - سئوالانی که در جلسه علنی

مجلس داده میشود در صورت مجلس هم ذکر میشود

همین مذاکرات مشروح شصت و یکمین جلسه از دوره شانزدهم قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

ولی در خارج که داده شود و سؤالهایی که مستقماً از دولت بشود بعداً در روزنامه رسمی چاپ میشود (معدل - در جلسه علنی تقدیم کردم) آقای امامی اهری
امامی اهری - بنده نیز بخواهم زیاد وقت مجلس را بگیرم و با عرایضی بکنم فقط تقاضای این است که واقفاً ما وضع مملکت را در نظر بگیریم و جلسات را مرتب دایر بکنیم و بهردهای مملکت برسیم ضمناً از موقعیت استفاده میکنم و انحرافات که در آن جلسه از اظهارات بنده شده برضی مسامحت در صحنه دوم بجای موضوعات، توضیحات نوشته شده و یکی در سطر چهارم گفته ام در جرایم دیدم و اینجا نوشته اند در دیدم، باز در همان صحنه سوم در ستون اول در این دوره را در این مورد نوشته و باز در يك کلمه بعداً بنظر نوشته در صورتیکه بنده گفتم این دوره در سطر چهارم هم تقدیمی نوشته شده است ولی بنده منظورم تقلیل کارمندان بوده است - در ستون دوم سطر ششم هم گفته ام از لحاظ مصونیتی که رکلا دارند و اینجا نوشته است وزرا دارند - این قسمتها را تقاضا داشتم که مقرر بفرمائید اصلاح شود.

نایب رئیس - اصلاح میشود. آقای مکی
مکی - در صورت جلسه چند جا اطلاق در عرایض بنده هست که اینها را تصحیح میکنم و خواستم توجه اداره تند نویسی را جلب کنم که بعضی از جملات اصلاً مفهومی خودش را از دست داده و این را باید بگیرند ببینند من چه گفته ام

نایب رئیس - اصلاح میشود.

نورالدین امامی - زیاد است بفرمائید بدهید خودشان اصلاح میکنند.

نایب رئیس - صورت فحاشی قرائت می شود.

(بشرح زیر قرائت شد)
 غائبین با اجازه - آقایان: بهادری، افشار، حکورافلی، دکتر راجی.
 غائبین بی اجازه - آقایان: خاکیباز - محمودی، صفوی، دولت آبادی، پرومند - محمد علی مسعودی، خسرو قشقای، سالار سندی، امینی، ناظر زاده، تولیت، حسن اکبر، اقبال، شهاب خسروانی، دکتر مجتهدی، قرشی - نفا الاسلامی، همدان تریبی، محسن طاهری، سالار بهزادی، حادقی، قاضی، نبوی، پیراسته، امیر انصاری - محمد ذوالفقاری - کهید، سلطانی، دکتر شایگان، جواد مسعودی، خزینه علم.

در آمدن با اجازه - آقایان: استیلاج یک ساعت.

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی
دکتر بقائی - راجع با آقای دکتر شایگان که ایشانرا جزء غائبین بی اجازه نوشته اند ایشان مریض هستند و تحت عمل قرار گرفته اند در اروپا و برای ایشان تقاضای تمدید مرخصی شده است این را بنده خواهش می میکنم دستور بفرمائید اصلاح شود.

نایب رئیس - تقاضای ایشان به کمیسیون معاسیات زفته است تا تصویب شود و ما ناچاریم تا وقتی که تصویب نشده است ایشانرا بی اجازه بنویسیم چند نفر از آقایان اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند (جمعی از نمایندگان - دستور دستور) (صدر زاده - نه آقایما عرایضی داریم) حالا ماده ۲۰۴ آییننامه قرائت میشود (بشرح زیر قرائت شد)

ماده ۲۰۴ - مخبرین جرایم و تمساحاچیان امضاء یکی از کارپردازان صادر شده باشد و نیز مأمورین انتظامی بدستور رئیس مجلس در معطلی مخصوص حق حضور خواهند داشت و باید در تمام مدت جلسه ساکت باشند و از هر گونه تظاهر خودداری کنند و اگر بامر رئیس از مجلس اخراج میشوند **نایب رئیس** - آقایان باید کاملاً مراقبت کنند و مأمورین انتظامی هم باید مراقب باشند که اگر کسی این موضوع را رعایت نکند فوراً اخراج شود. چند نفر از آقایان اجازه نطق قبل از دستور خواسته اند. آقای صدری **صدری** - پنج دقیقه از وقت بنده را آقای صدر زاده خواسته اند و بنده هم فقط پنج دقیقه از وقت خودم را بایشان میدهم

۲ نطق قبل از دستور آقایان: صدر زاده صدری - دکتر مصدق

نایب رئیس - آقای صدر زاده **صدر زاده** - بنده از آقای صدری تشکر میکنم که قسمتی از وقت خودشان را بنده عنایت کردند و دو مطلب یعنی دو تذکر بنده دارم که بطور اختصار یاد داشت کرده ام و از آقایان تقاضا میکنم توجه بفرمایند. در جلسه گذشته ضمن استیضاحی که آقای اسلامی از آقای دکتر نصر نمودند نامی هم از آقای نمازی بردند. مردم فارس با آقای حاج محمد نمازی از لحاظ خدمات گرانبانی که بفرهنگ و بهداشت خود نموده علاقه خاصی دارند و بیاد دارم که در دوره قبل همین دوره هر وقت بمناسبت لوله کشی آب شیراز و یا بیمارستان بانصد نختخواهی نامی از ایشان برده شده مورد عنایت نمایندگان مجلس نیز قرار گرفته و ایشان را بمناسبت این نیکو کاری و علاقه ای که به کشور خود ابراز داشته اند تجلیل و تعین نموده اند (صحیح است) گذشته از اینکه آقای دکتر نصر در میان طبقه روشنفکر و تحصیل کرده کشور بدستی و یا گدائی مشهورند (صحیح است) و آقای مکی نماینده محترم هم با همه مخالفتی که با دولت کنونی دارند از اظهار این حقیقت که دکتر نصر مبرای از اینگونه ذوابل است خود داری نکرده و با کمال جوانمردی بدفاع از یک حقیقتی برخاسته اند که در جای خود درخور بسی تجلیل و تعین است (مکی) تشکر میکنم (صحیح است) شخص آقای حاج محمد نمازی یعنی کسیکه بیش از ده ملیون تومان از دارائی خود را برای بندگان در راه سلامت هموطنان خود بلل میکند از این عنوان منزه و اینک عین تلگرافی

را که در این باره از ایشان رسیده قرائت میکنم تلگراف بعنوان بنده است. مجلس شورای ملی، تهران اظهارات جناب آقای اسلامی مبنی بر اینکه اینجانب ۱۶۰۰ دلار ماهانه بخانواده جناب آقای دکتر نصر وزیر دارائی میپردازم بکلی عاری از حقیقت میباشد. اینجانب در مدت عمر (دکتر مصدق) این اظهارات شایسته اینکه در مجلس گفته شود نیست) این جانب در مدت عمر مستقیماً یا غیر مستقیم هیچ عنوان به جناب آقای دکتر نصر یا خانواده ایشان وجهی نپرداخته ام و پنج سال است جزء در امور کشتیرانی اساساً در ماملات بازرگانی وارد نیستم دفاتر نیز حاضر و گواه است. از مقامات دولتی هم هیچوقت تقاضای شخصی رولو مشروع هم بوده نداشته ام و ندارم خواهش منم این تکذیب را هر طور مقتضی است انتشار فرمائید خیلی ممنون میشوم. البته بنده بهترین وسیله برای انتشار این دیدم که در محضر مجلس شورای ملی ایران قرائت بشود من قطع دارم هر گونه اطلاعی با آقای اسلامی داده ام و عرض کرده ام و از ایشان تقاضا دارم که در این قسمت تجدید نظر فرموده و رضای نشوند که بعینیت و شرافت مردی نیکوکار و پاکدامن که مورد احترام عموم و بویژه ما فارسیان است تجاوز شود عرض دیگر من راجع به کارخانجات فارس است ما در فارس سه کارخانه داریم یکی در بو شهر بنام اعتمادیه و دو تای دیگر در شیراز بنام نساجی و ریسنده گی. برق از این سه کارخانه دو هزار نفر کارگر و کارمند اعاشه میکروند که پس از تعطیل آنها این عده بیکار شده اند من همان وقت از دولت سؤالی کردم و امیدوار بودم که دولت آنها را براه میاندازد متأسفانه اکنون سه ماه است که میکند و هنوز کارخانه ها بکار نیفتاده و هر دستگامی به دستگاه دیگر معول می کند و نتیجه این شده که کارگران بجان آمده و در مجلس متعین شده اند آقایان معطلن با هید که این همشهریان عزیز من بمناسبت هت طبعی که دارند اگر در نهایت سختی و مضیق نبودند هرگز دست نوسل دراز نمیکردند اینها حداقل همیشه را میخواستند ولی متأسفانه بدستشان نرسید من از جناب آقای نخست وزیر تمنی میکنم جلسه ای از مسئولین و متصدیان وزارتخانه های مربوطه تشکیل دهند بلکه هر يك قسمتی را که میباشد اقدام کند بدون اینکه بدیگری حواله دهد انجام داده تا در نتیجه کارخانه ها افتتاح و همیشه هادی کارگران تأمین گردد (احسان)

نایب رئیس - پیشنهاد آقای امامی کرده اند که وارد دستور شویم قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد) **پیشنهاد میکنم بعد از بیانات آقای صدر زاده دستور شروع شود**

دکتر مصدق - آقا نمی شود با ورود در دستور مخالف **مکی** این پیشنهاد را کرده است **امامی** - بنده **مکی** - با ورود در دستور مخالفم **نایب رئیس** - آقای امامی بفرمائید

صدری - صحبت بنده تمام نشده است **نورالدین امامی** - عرض کنم جناب آقای دکتر مصدق توجه بفرمائید جلسه گذشته بواسطه آن پیش آمد **دکتر مصدق** - مطالب حیاتی هست که باید بنده بگویم و باین حرف های شما هم ذره ای اهمیت نمیدهم **نایب رئیس** - آقای دکتر جناب عالی بعنوان مخالف اسم نوشته اید.

صدری - نطق قبل از دستور شروع شده **نورالدین امامی** - بنده پیشنهاد کردم که وارد دستور شویم (دکتر مصدق - در دستور هیچ چیزی نیست) (زنک رئیس) آقا فرمایشات خودتان را بفرمائید منم حاضر نیستم که نسبت با آقا اسائه ادبی بکنم

نایب رئیس - آزادی نطق را آقای امامی برای سرکار بنده موظف هستم فراهم نمایم آقای دکتر گوش کنید جناب عالی بعنوان مخالف اسم نوشته اید (دکتر مصدق - مخالف یعنی چه بنده دو جلسه است باید صحبت بکنم حرف های حیاتی مملکت میباشد شما میخواستید چی بگوئید) بنده موظفم به پیشنهاد آقای امامی بگویم

نورالدین امامی - عرض کنم جلسه گذشته مجلس شورای ملی تشکیل نشد و این جلسه هم از ساعت مقرر خیلی دیر تر تشکیل شد یک ساعت و نیم بظهر داریم در صورتیکه مطابق مقررات باید ساعت ۹ جلسه تشکیل شود اینستکه پیشنهاد کردم که مجلس شورای ملی وارد دستور شود و اگر وقت باقی ماند آقایانیکه قبل از دستور قرار است مذاکراتی بفرمایند بعد از دستور بفرمایند و اگر امروز وقت نماند نوبه آقایان برای جلسه روزیکشنبه معفو بمانند (فرامرزی - آن صحیح نیست) این وظیفه اش با آقای رئیس است و تصور می کنم این پیشنهاد تولید نکراتی برای جناب آقای دکتر مصدق نباید بکند در هر صورت مجلس يك دستور دارد هر چه دستور است من هم نمیدانم دستور چیست باید وارد دستور شویم و خدمت برای مملکت بکنیم هی بنشینیم اینجا حرف بزنیم و برویم باین طرز مملکت بظرف بحران خطرناکی خواهد رفت

دکتر مصدق - سه نفر آمدیم برای نطق قبل از دستور اسم نویسی کردیم بنده این جلسه با نهایت بی عالی بنهایت ضعف و ناتوانی آمدم اینجا برای اینکه قبل از دستور صحبت بکنم اسم نویسی کرده ام بکنفر هم صحبت کرده است دایلی که شما به آن بکنفر اجازه می دهید و این که می خواهید يك قضایای حیاتی را بگویم یا تقاضای حیاتی که اگر عرض کنم تصدیق می کنید برای مملکت در درجه اول حیاتی است اجازه نمی دهید چیست؟ اینها فقط برده بوشی يك غرضاتی است که می خواهید در این مملکت بکنید و ما نمایندگان اقلیت که هیچ نظری نداریم هرگز زیر بار این حرفها نمی رویم ما نمایندگان اکثریت

ملت ایران هستیم (کشاورز صدر - همه هستیم) (همه نمایندگان) (عده از نمایندگان - همه هستند این حرفها چیست) (فرامرزی - هر کس و کیل مملکت است) **نایب رئیس** - رأی می گیریم **نمایندگان اقلیت** - نمسی گذاریم رأی بگیریید این قابل رأی نیست (زنک رئیس) **مکی** - قابل رأی نیست بکنفر صحبت کرده است (دکتر مصدق - رأی ندارد)

نایب رئیس - (خطاب بمکی) بشما اخطار می کنم **مکی** - نمی توانید بکنید بکنفر صحبت کرده **نایب رئیس** - برای مرتبه دوم اخطار می کنم **مکی** - اخطار بکنید یا زور و قلندری که نمی شود اخطار کرد یک نفر نطق قبل از دستور را شروع کرده.

فریمان - بخودتان باید کرد (نیور تاش - رأی با مجلس است) نطق قبل از دستور شروع شده نمیتوانید رأی بگیریید (مکی - رأی نمی شود)

نایب رئیس - آقای مکی برای مرتبه سوم بشما اخطار میکنم (مکی - برای مرتبه هزارم بکنید) رأی میگیریم پیشنهاد آقای امامی آقایانی که موافقت قیام فرمایند (دکتر مصدق این رأی برخلاف است) تصویب نشد (مکی - رأی لازم نیست) گفتیم تصویب نشد دو اخطار به آقای فریمان و سه اخطار به آقای مکی (مکی - اخطار کنید) (فریمان بجهنم که اخطار کردید)

مکی - می می گوید اخطار می کنم بفرموده مکنی اخطار می کنی **نایب رئیس** - من شمارا توبیخ میکنم طبق ماده نظامنامه برای این که رئیس مجلس توهین کردید (صحیح است) آقای صدری بفرمائید

صدری - مرانی را که میخواستم بمرض آقایان نمایندگان معترض رسانیده و از دولت تقاضا نمایم بدان توجه نمایند بدو اطراف خبری است که چند روز پیش در روزنامه کیهان منتشر شده بود بشین مضمون (وزارت کشور به کلیه مأمورینی که برای رسیدگی و ترتیب تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی شهرستانها اعزام داشته بود دستور داده است که انجمن ها را هر چه زودتر تشکیل دهند و در ساری هم مقداری اخطار بعمل آمده است.

بنده قبلاً عرض میبمایم که هیچکس مخالف با دخالت دادن مردم در امور مربوطه بخودشان نیست چه مجلس شورای ملی هم در چند روز قبل روی همین نقطه نظر رأی داد تا کمیسیون انتخاب شود و با دولت ترتیب تنظیم قانونی که با وضعیت اجتماعی و سیاسی مملکت وفق داده و قابل اجرا هم باشد تهیه و تقدیم مجلس نماید حال بنده نمیدانم چه چیزی ایجاد نموده است که وزارت کشور دستور اجرای قانونی را داده است که

بدلالتی که فرض نمایم بتدیه بنده غیر قابل اجرا میباشد (صحیح است) ۱ - اولاً اینکه قانون انجمنهای ایالتی و ولایتی که در دوره اول پس از تصویب اجرا شد چون در اجرای آن به معظوراتی برخورد نمودند در دوره دوم مجلس دستور تعطیل انجمنها داده شد تا در قانون آن تجدید نظر شود.

و از طرف دیگر در کابینه آقای مصباح السلطنه یکی از مواد برنامه دولت تجدید نظر و اصلاح قانون انجمن های ایالتی و ولایتی بود که مجلس به این برنامه رأی داد و در نتیجه لزوم تجدید آن رأی تائید کرد و همچنین در دوره ۱۰ در کابینه آقای قوام السلطنه تجدید نظر در قانون انجمن های ایالتی و ولایتی گویا جزء برنامه دولت بود که از طرف مجلس بدان رأی داده شده است بنده نمیدانم قانونی را که مجلس لزوم تجدید نظر آن را بعلت عملی نبودن آن دومرتبه تأیید کرده است چه وقت قابل اجرا می باشد در حالی که بعضی از مواد آن قانون الان خود بخود ملغی است زیرا در آنجا متلاً ذکر شده که تا وقتی تشکیلات عدلیه نیست این مقررات مجری است تا نایب پاره از مواد آن مخالف قانون اساسی است مثلاً در قانون اساسی فقط حق نظارت بانجمنها میدهند در صورتی که در آن قانون اجازه معاکه و مداخله هم داده است در قانون اساسی حق وضع مالیهات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی را بمجلس داده است در صورتی که در آن قانون انجمنها خودشان حق وضع عوارض و مالیات دارند در قانون اساسی برای دادن تخفیفات اجازه مجلس و قانون لازم است در قانون انجمنها تخفیفات را موقوف بنظر انجمن که مستقیماً باوزارت دارائی ارتباط دارد قرار میدهند تا این قبیل تناقضات زیاد است

از همه مهتر اینکه تا وقتی تشکیلات مملکتی و تحقیق ایالت ولایت معلوم نشود بنده نمیدانم در کجا انجمن های ایالتی و ولایتی تشکیل خواهد شد آیا در قضایای که این سالهای اخیر تمام شهرستان با آنها گذارده اند بنده تصور میکنم بملاح نزدیکتر باشد که مجلس کمیسیون مربوطه را هر چه زودتر انتخاب نموده و دولت هم بیاید و با نظر نمایندگان منتخب قانونی که قابل اجرا باشد تدوین و تقدیم مجلس نماید و تا حصول نتیجه بمأمورین خود هم دستوردهد تا هر نوع اقدامی در این خصوص خودداری و بهمان محاله اینکه قبلاً مأموریت داشته اند گفتن باید (صحیح است)

مطلب دیگر مربوط بقانونی است که اخیراً از طرف دولت تقسیم مجلس شورای ملی گردیده اینک جزو دستور است بنده نمیدانم که این کارمند به جهت دولت چه گنهای کرده که هر دو به يك عنوان بایستی تحت شکنجه و اذلال نفوذ و زور قرار گیرد و در مقابل چند تنیاری که از روی استیصال در مقابل خدمتی که می نمایند می گردند هر آن دستخوش يك ناملایمات و بی انصافیها باشد معنی او را از طریق تسلین ترقیح و اضافه تحت شکنجه می گذارند پس از

چند سال که او را از دریافت حق قانونی خود محروم نموده و تازه دستور میدهند رتبه های آنها را بدون پرداخت اضافه بدهند و اخیراً نیز آنها را دچار تصفیه نموده اند. در نتیجه وضعیتی پیش آمده که حقیقتاً ناشایستی است این کارمند بدبخت که بدست پایش قشارهایی است می آید قانون تصفیه می گذرانند قانونی که بنظر بنده هیچ نوع احتیاجی برای تصویبش نبوده چه دولت هر وقت خواسته است کارمند یا کارمندانی را منتظر خدمت نماید مانعی در پیش نداشته که احتیاج بقانون خاص پیدا کند و در حالی که کلبه مأمورین دولت بواسطه این تزلزل ناراحت و ناراضی هستند تربیتی پیش آوردند که آنها را متزلزل تر نماید که همه آقایان از عواقب وخیم آن بهتر از بنده مسبوق می باشند نتیجه اینکه صدامان مخالف و موافق تصدیقات هیئت تصفیه همه کارهای مملکت را فلج کرده و در صورتی که اکثر یا اغلب آقایان و خود دولت معترفند که این قانون صحیح نبوده و در آن ناروایی هائی شده حال برای جبران آمده اند قانون ناروا تری را بمجلس داده اند و میخواهند باین عمل عدل و انصاف یک عمل خلاف رویه را بقول خود برده بوشی نمایند. بنده اول یکی از مواد قانون تقدیمی را می خوانم. دوم - کارمندان زائد که بدو قسمت تقسیم میشوند قسمت اول کارمندانی که به وجود آنها فعلاً در نتیجه حذف یا محدود شدن تشکیلات لازم نیست و ممکن است در آتی از آنها استفاده گردد.

قسمت دوم - کارمندانی که برای دولت مفید نبوده و شایستگی خدمت دولت را ندارند مشمول قانون بازنشستگی هم نیستند نسبت بکارمندان قسمت اول تا وقتی که به آنها کاری رجوع نشده است حقوق ثابت آنها داده خواهد شد و بخدمت کارمندان قسمت دوم با تأدیه کسور بازنشستگی که پرداخته اند خاتمه داده میشود و باین طبقه از کارمندان در آینده شغل دولتی رجوع نخواهد شد

بنده از خود سؤال می نمایم البته چون از نمایندگان محترم سؤال نمی توان کرد که بین عمل هیئت تصفیه و قسمت دوم از این قانون چه تفاوتی ملحوظ است مگر هیئت تصفیه غیر از این عدل نموده مگر مفهوم بند ج هیئت تصفیه غیر از مفهوم قسمت دوم این قانون است شما می گوئید هر کارمندی را که تشخیص داده اند مفید نیست و شایستگی ندارد کسور بازنشستگی آن پرداخته شود و از خدمت دولت معاف گردد و آنوقت در ماده دیگری گوید این شخص می تواند بیرون کشور شکایت نموده احقاق حق کند.

نایب رئیس - آقای صدیقی وقت جنبه ای تمام شد

صدری - در موقع بحث در ماده بنده راجع باین قسمت صحبت خواهم کرد (احسن)

نایب رئیس - آقای دکتر مصدق

دکتر مصدق - اگر عرض بکنم که من دروغ خبلی که گاه ام بول کنبد ولی امروز برای مصالح مملکت یک دروغ گفتم زیر اگر یک چیزی واجب شد مقدمات آن هم واجب میشود اگر لازم بود که من دروغی روی مصالح مملکت روی منافع مملکت عرض کنم و اگر لازم بود یک وقتی تحصیل بکنم که بتوانم هر ایضاً تکمیل بکنم من تصور میکردم که لازم بود یکسور هم بگویم (فراموشی - انشاءالله این یکی اش راست است که از مصالح مملکت است) دیشب در جلسه جبهه ملی قرار شد که دو نفر از مایابان و صبح اینجا اسم نویسی بکنیم یکی از آنها جناب آقای مکی بود دیگری خود من، من بر حسب قرار داد ساعت شش آمدم ولی آقای مکی که غالباً کبیر تشریف می آورند بموقع تشریف می آورند (مثل امروز) دو نفر از آقایان جناب آقای شوشتری و جناب آقای صدر زاده آنها بودند و میخواهند اسم بنویسند فرمودند کی آمده عرض کردم مکی هم آمده پائین است حالا می آید (خنده نمایندگان) ایشان هم از نظر حسن ظنی که بمن داشتند قبول کردند فرمودند که خیلی خوب بسیار خوب تأمل میکنیم وقتی آقای مکی آمدند روی همین عرضی که بنده خدمت آقایان محترم کردم و کمال تشکر را دارم که بمن حسن ظن کرده اند آمدند و اسم نویسی کردند حالا آقای مکی اسم نویسی کرده اند بنده اول اسم نویسی کرده ام بعد آقای صدری آمدند گفتند فلانی شما میخواهید صحبت هائی بکنید طول میکشد بیاید حق خودتان را در اول بمن بدهید گفتم با کمال میل حق خودم را دادم و بعد بنده اسم نویسی کردم و بعد از بنده هم آقای مکی است بنده امروز دو عرض دارم یکی اساساً مربوط بقضایات حیاتی مملکت راجع بشمال ایران است و دیگری مربوط به قضایای مجلس شورای ملی است هریض من خیلی مفصل است اگر آقایان اجازه بدهید که قضایای شمال ایران جزء این نطق قبل از دستور نباشد بنده میتوانم هریض خود را اصلاً راجع بقضایای شمال ایران عرض بکنم و بعد راجع بجزایران داخلی از این دو اجازه استفاده بکنم نیم ساعت بنده حق دارم و اگر کسر آمد یک چند دقیقه ای هم از آقای مکی قرض میکنم حالا آقایان اگر اجازه میفرمایند (نایب رئیس - بفرمایید این که جز مقررات است ایشان میتوانند نوبت خودشان را بجنبه ای بدهند) قضایای شمال ایران جزء حساب نیاید چون قضایای حیاتی است (نایب رئیس - تغییر ایشان نوبتشان را باید بجنبه ای بدهند) - (شوشتری - شروع بفرمایید درست میشود) در سال ۱۳۰۱ که همدان مودت بین دولت ایران و شوروی در مجلس تصویب شد یک محبوبیت فوق العاده برای دولت شوروی در این مملکت ایجاد شد (صحیح است) شوروی آنچه لازم بود آنچه میتوانست با ایران مساعدت کرد شوروی از بانک استقراضی واز مطالباتی که از مات ایران داشت از حق کاپیتولاسیون یکی صرف نظر کرد من اینجا لازم است که این قسمت

را تذکر بدهم اگر سایر دول آمدند واز کاپیتولاسیون صرف نظر کردند اینها نه برای مساعدتی بود که با ایران کردند بلکه میترسیدند اگر دولت شوروی موافقت نکند و بگویند وقتی که سایر دول در این مملکت کاپیتولاسیون دارند منم می بایست روی این اصل کلی یعنی ملت کامل الوداد از این مملکت استفاده بکنم آنوقت این مسئله برای سایر دول بسیار بد میشد دول دیگر حاضر شدند برای این که دولت شوروی چنین حرفی نزنند از کاپیتولاسیون صرف نظر کنند اگر منتهی به ایران گذاشته اند یکی بیورد بوده است ما مرهون دولت شوروی هستیم که اول دولتی بود از حق کاپیتولاسیون از مطالباتی که داشت از امتیازاتی که افراد دولت شوروی در ایران داشتند صرف نظر کردند (صحیح است) دولت شوروی بلا حظه یک چنین قرار دادی که با ملت ایران بسته محبوبیت فوق العاده ای در ایران تحصیل کرد (صحیح است) حقیقتاً آنچه را که دولت تزاری روسیه کرده بود دولت اتحاد جماهیر شوروی جبران کرد این محبوبیت دوام پیدا کرد تا سال ۱۳۲۳ که دولت شوروی از این مملکت تقاضای امتیاز نفت کرد خاطر دارم که وقتی شاه فقید از این مملکت نرفته بود وقتی کدر این شهر بمباران هائی شد و یک عده از مردمان این شهر فرار کردند و رفتند در آن کویری که بهلوی ملک من بود قايم شدند مغفی شدند روزی یک کامیونی آمد آنجا در منزل قبل از این جریان زار عین ملک من نوشتند بمن که اجازه بدهید ما هم برویم در این کویر مغفی بشویم گفتم چرا؟ گفتند برای این که بشوید می آید گفتم آقایان بشوید اگر بیاید با مالک کار دارد باشخصی که هیچ ندارند کاری ندارند (آشتیانی زاده - بعداً هم برایشان مفید است) باشخصی که پنج نفر در زیر یک لعاف می خوابند چکار دارند هر وقت من از اینجا رفتم بآن کویر شامم بروید و در اینجا شما بمانید تا به بیاید بشوید چه میکند تا آن روزی که کامیونی آمد در منزل من و در را زدند یکی از آدمه های من آمد گفت آقا بشوید آمده گفتم کجاست؟ گفت پشت در ضمناً گفت به من که در اینجا یک برجی است سوراخی هست اطرافش یونجه هست بیاید و شما بروید در آن سوراخ قايم بشوید گفتم برای چه گفت برای این که بشوید آمده گفتم من از بشوید باکی ندارم مگر بشوید بیاید چه میگوید رفت در را باز کرد دیدم کامیونی آمده ۴ نفر صاحب منصب بشوید دو نفر اهل او که این یک نفر اهل قفقاز آنها داخل شدند من رفتم بآنها صحبت کردم چون مأمور شهر بانی در آنوقت ناظر حال من بود و من را از زندان بیرجند آورده بودند و تحت نظر کار آگاهی گذاشته بودند گفتم مأمور شهر بانی را بیاورید که من با آنها صحبت کنم که بعد گزارش بشاه فقید میدهند که من کمونیست را در این ده دعوت کرده ام در هر صورت گفتم آنها را بیاورید اینها گفتند و ضمناً گفتم که چه میخواهید گفتند مامداری یونجه میخواهم گفتم بسیار خوب یک خوراک یونجه دو

کامیون آنها ریختند بعد مقداری بول در آوردند روی میز گذاشتند و گفتند بول یونجه را خواهش میکنیم بردارید گفتم آقایان من یونجه فروش نیستم شما همان من هستید من این یونجه را بشما از صمیم قلب و از رضای قلب تقدیم میکنم از من اصرار و از آنها انکار بالاخره آنها قبول کردند و یونجه را مجانی بردند این مطلب که بگوش زار عین آن ملک رسید چون تبلیغات بسیار زیادی در تمام دوره دیکتاتوری ار کمونیسم شده بود و آنها ترسیده بودند و تصور میکردند که اگر کمونیست بیاید آدم میخورد آدم میکشد معامله نمیکند ولی وقتی آنها بول یونجه را دادند زار عین من آمدند گفتند آقا خوب بود باینها میگفتید بیاید با ما معامله کنند اشخاصی که باین خوبی بول میدهند چرا با ما طرف حساب نشوند این رفتار دولت شوروی بود که همه آقایان اطلاع دارید در موقع جنگ بین المللی رفتار نظامیان شوروی از رفتار نظامیان سایر ملل در این مملکت بهتر بود تا سال ۱۳۲۳ ملت شوروی دولت شوروی در این مملکت بسیار محبوبیت داشت ولی این محبوبیت را از نظر اینکه تجربه سیاسی نداشت از دست داد دولت شوروی تصور کرد اگر بعضی از دول در این مملکت امتیاز نفت گرفته اند بدون مقدمه بدون وسایل بدون اسباب چینی توانسته اند موفق شوند در صورتیکه آن دول سالها زحمت کشیده اند اشخاصی تربیت کرده اند (شوشتری - خر کریم را نعل کرده اند) و وضعیاتی درست کرده اند که توانستند موفق شوند من در این مجلس روزی گفتم که هشت با شصت گرچه قریب المخرج است ولی مساوی نیست در این مجلس گفتم دولت شوروی تصور میکرد که میتواند فقط با یک تقاضا از این مملکت استخراج نفت بخواهد و تحصیل امتیاز بکنند این تا آن زمان روزی در چهارم آبان ماه ۱۳۰۴ مرحوم مستوفی الممالک بمن تلفن کرد گفت شما میدانید که امروز باید بمجلس بروید گفتم نه امروز شبه است روز مجلس نیست گفت نه قضایای هست که باید بمجلس بروید گفتم چیست فرمودند ماده واحده ای نوشته ام امروز میخواهم در مجلس مطرح کنید شما چه صلاح میدانید گفتم آقا به توریچی ده سال متواجب میدهند که یک روز از مملکت دفاع کند بوقیل دو سال متواجب میدهند که روزی از قانون اساسی دفاع کند من با شما حاضریم و افتخار میکنم که با اتفاق بمجلس برویم آنروز ما آمدیم در مجلس و نظریات خود را نسبت بآن ماده واحده اظهار کردیم روز دیگر یعنی شب دیگری مرحوم مستوفی الممالک آمدند منزل من و فرمودند بمن که از من دعوت کرده اند دولت را تشکیل بدهم بایشان عرض کردم آن روزی که شما اظهار کردید مطلب چیست من با کمال افتخار در آن مجلس که خطرهای زیاد بود در آن مجلس که هیچکس انتظار نداشت ما بیائیم و سلامت بمانیم مراجعت بکنیم من منق و اول در این بهشتی که شما مرا دعوت میکنید نخواهم آمد گفت چرا؟ گفتم هر کسی در هر خطی

هست باید سعی بکنم در درجه اول آن خط باشد شما میگوئید آزاد بخواه هستیم اگر شما آمدید از این قسمت صرف نظر کردید درجه چهارم بعد از داور را دارا خواهید شد چرا برای اینکه الفضل للمقدم آنها یکزه زودتر این راه را رفته اند مقدمند نرفتم، حال از این مذاکراتی که کردیم میخواهم این نتیجه را بگیرم که آیا دولت شوروی که خود را معرفی میکند بحمايت ملل ضعیفه بحمايت آن اشخاصی که در تمام دنیا گرفتار فقر و بیچارگی هستند اگر از زی خود خارج شدند حدیث نبوی است یا نمایانم در هر حال حدیث است من خرج من زیه فدمه همدار باید هر کس در هر خطی که هست و هر کسی هر چه گفت بآن عمل کند اگر از آن خط خارج شد در خط دیگر درجه اول را دارا نیست در دوره چهارم کمیسونی قرار بود در این مملکت بنام کمیسون ساجانی تشکیل شود که این کمیسون کار هائی نسبت به بعضی از نقاط مملکت و نظریاتی نسبت بقوانینی که مجلس شورای ملی باید تصویب بکند اظهار بکنند مخصوصاً یکی از مواد این کمیسون این بود که هر پیشنهادی که آن کمیسون میکند مجلس شورای ملی تصویب کند این کمیسون غرضی غیر از این که ایران را تجزیه و تفکیک بکند نداشت (صحیح است) من نمایانم بچه ما حظه دولت شوروی باینکه در مسکو موافقت کرده بوده در وهله اولی بعد نام شد پشیمان شد و در این کمیسون شرکت نکرد و من در این مجلس از طرف ملت ایران تشکرات خود را بدولت شوروی تقدیم کرده ام اکنون تصور میکنم که آن نقشه میخواهد بصورت دیگری عملی شود و خاطر دارم که روزی در دوره چهارم یکی از وکلای فارس تمهید که بود با همکاری خود که گول یکی از وزرا را نخورد ولی بعد اتفاق افتاد که باز اغفال شد باو گفتند که شما چرا اغفال شدید گفت برای اینکه این هر روز یک لباس می آمد این مرتبه لباس دیگری آمده بود و من اغفال شدم حالا اگر کمیسون سه جانی در این مملکت پیشرفت نکرد من برای العین می بینم که وضعیت دیگری در این مملکت ایجاد شده است که نتیجه همان نتیجه است که میخواهند از کمیسون سه جانی تحصیل کنند من رفتم و بعضی و شاید عده زیادی از نمایندگان اکثریت در تشکیل انجمنهای ولایتی در این مجلس مخالفت کردیم من تصور نمیکنم که وقتی قضایای حیاتی در این مجلس مطرح شود بین نمایندگان اکثریت و نمایندگان اکثریت کوچکترین اختلافی باشد (صحیح است) من یقین دارم که تمام نمایندگان استقلال این مملکت را خواهند (صحیح است) من یقین دارم که شما آقایان هیچوقت نمیخواهید لطمه ای به تمامیت این مملکت وارد شود (صحیح است) من نمایانم چه سیاست در کار است و چه نظریاتی را تعقیب میکنم که میخواهند انجمن های ایالتی را بعنوان اینکه اکثر مردم بدست مردم داده شود تشکیل دهند در صورتی که اکثر کار مردم میبایست بدست مردم داده شود ما قانون انجمن های بلدی را داریم که مردم از تشکیل انجمن های بلدی بیشتر

منتفع میشوند زیرا کار انجمن های بلدی مربوط به نظافت و روشنائی است که هر روز و هر ساعت مردم گرفتار کثافت این شهرها هستند و اگر انجمن های بلدی طوری تشکیل شود که نمایندگان حقیقی مردم در آنها وارد شوند قهرآکار نظافت و روشنائی بطوری مرتب خواهد شد که آسایش عموم فراهم گردد من نمایانم دولت با اینکه انجمن های بلدی قانون دارد و در دوره پانزدهم قانونش به تصویب رسیده است در این کار کوچکترین اقدامی نمیکنند این کار را که امروز الزم از امور است بدست خود مردم نمی دهد ولی میخواهد انجمن های ایالتی را که قانون ۴۵ سال قبل است و با امروز تطبیق نمیکند بوسیله آئین نامه هائی که بهیچوجه صلاحیت تنظیم آنها ندارند و بوسیله تطبیح يك عده ای از قضات بی پرستی دادگستری بانها روزی مبالغ وجه میدهند من ناچارم از آقای ششهانی که باو پیشنهاداتی کرده اند وعده هائی دادند قبول نکرد و استادگی کرد تشکر بکنم انجمن های ایالتی را میخواهند تشکیل بدهند آیا شما نمایانم کان مجلس شورای ملی که حافظ استقلال و تمامیت این مملکت نیستی میبایست باین مطلب توجه کنید که این دولت با این همه اختلافاتی که نسبت باینهاست و این همه مخالفت هائی که هست آقایان نظر دارند که روزی عرض کردم رزم آرا در منزل بمن گفت این پیشنهاد را که کردم با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارائه دادم اعلیحضرت فرمودند با این وضعیت که برای مملکت اختیاری باقی نمی ماند آقایان شما باید بدانید توجه بفرمایید که شاه که با این مسئله موافق نیست من یقین دارم که شاه نمیخواهد مملکت ایران تجزیه شود (صحیح است) شاه از هر کس از این مملکت بیشتر استفاده میکنند مگر نمیخواهد خود را از اینهمه منافی که از این مملکت میبرد محروم کند شاه که با رزم آرا موافق نیست نمایندگان اقلیت که موافق نیستند اکثریت نمایندگان وطنپرست غیر خواه مجلس شورای ملی هم که میخواهند به یک چنین کاری کسی دست بزنند پس رزم آرا از روی چه نظر و با چه پشتیبانی می آید در این مجلس خود را حکیم حاذق قلمداد میکنند و میگویند وقتی که حکیم حاذق برای مریضی دوائی را در نظر گرفت سلامت آن مریض انقضای بکنند که آن دوا را نوش جان کند آقایان توجه بفرمایید که مملکت در یک وضعی است که امروز کوچکترین بی احتیاطی ممکن است ما را بکلی فانی کند من از آقایان سؤال میکنم که در این کار چه دلیلی هست که رزم آرا این اندازه تسریع میکند مطلب دیگری که میخواستم عرض آقایان مؤثرم برسام مطالب همدانم تجارتی است که من تأدیش ابتدا اطلاع نداشتم.

نایب رئیس - جناب آقای دکتر اجازه بفرمایید یک رائی بگیریم جناب آقای دکتر درخواست کرده اند حتماً بیشتر صحبت کنند آقایانی که موافقت فرمایند (اغلب برخاستند) تصویب شد بفرمایند

دکتر مصدق - من تأدیش اطلاع نداشتم که این عهد نامه تجارتی روی چه نظریاتی تنظیم

شده است در شب اطلاع پیدا کردم که این همدانه یک امتیازاتی بدولت شوروی در شمال میبدهد که آن امتیازات در جنوب بدولت شوروی داده نشده است قهرآ نتیجه این عمل این خواهد شد که بدولت انگلیس هم یک امتیازاتی در جنوب داده شود که این امتیازات در شمال بدولت شوروی داده نشود آقایان من از شما سؤال میکنم اگر چنین عهدنامه ای که میخوانند بدون تصویب مجلس تصویب کنند و روی یک عهدنامه تجارتی بکلی منقذی شده آنگاه امضا کنند آیا این تسخیر منطقه نفوذ ایران نیست ایران یک مملکتی است مستقل که باید دولت شوروی از جنوب استفاده کند و دولت انگلیس از شمال مملکت ایران بهیچوجه تخصیص یک دولتی داده نمیشود اگر ما آمدمیم برای دولت شوروی یک امتیازات خاصی در شمال قبول کردیم اگر آمیم برای معامله ای چنین امتیازاتی بدیم در واقع نتیجه این خواهد شد که اگر دولت جنوب هم بگوید همان معاملاتی همان امتیازاتی که شما در شمال برای دولت شوروی قائل شده اید باید از من مضایقه نکنید ما بهیچوجه قادر نیستیم که از چنین تقاضای امتناع کنیم آنوقت در آن صورت ما ناچاریم هرچه را که برای دولت شوروی در شمال تصویب میکنیم و البته نتیجه منطقه نفوذ و سیاست رادراین مملکت برقرار کنیم آنها خوب فهمیده اند که قرارداد ۱۹۰۷ با روسیه دنیا امروز مطابقت نمیکند اگر بخواهند یک چنین قرار دادی به بندند برخلاف مقررات منشور ملل متفق بر خلاف افکار عمومی دنیا برخلاف آمال و آرزوی اهل ایران است (صحیح است) بنابر این ممکن است بنده اینهایی که عرض میکنم شنیده ام امیدوارم که همچو چیزی نباشد ولی من مکلفم که آنچه را که میشنوم آنچه را که تصور میکنم نمایندگان اقلیت تذکر بدهند تا اینکه شما بفهمید تا اینکه شما مواظب و مراقب اوضاع باشید و یک روزی انگشت ندامت را در دهان خود نجوید امروز وظیفه شما اینست که در این مسئله تحقیق کنید در این مسائل فور کنید رسیدگی کنید اگر واقعا چنین چیزهایی هست جلوگیری کنید مثلا آنچه را که می بینید ... انجمن های ایرانی الان در ساری و بعضی از نقاط دیگر دارد تشکیل میشود (دکتر مظاهری - انجام نیکبرد) و من این انجمن ها را بهیچوجه تاقانونی که مطابق با احتیاج امروز باشد تاقانونی که حقیقه مصالح مردم را تأمین نکند صحیح نمیدانم باید شما نمایندگان که تصویب گرفتید قانون از مجلس بگذرد قانون را تصویب نکنید و یک قطعنامه ای یا شاید امروز یک نظاره ای یک اظهاراتی بکنید که رژیم آرا نتواند انجمن هایی را که میخواهد تشکیل بدهد منتظر باشد تا این قانونی که شما در نظر دارید از مجلس بگذرد بنده این عرایض را خدای متعال شاهد است برای خیر مملکت برای اینکه در این دوره ۱۶ تنگی بدامان شما نباشد عرض میکنم شما میخواهید قبول کنید میخواهید قبول نکنید من امیدوارم انتظار دارم از آن نمایندگان وطنپرست مجلس از آن نمایندگان که میخواهند بعد از دوره ۱۶ از این مجلس با نهایت سر بلندی و افتخار خارج شوند در عرایض من دقت

کنند آنچه را که خود لازم میدانند عمل کنند غیر از این من هیچ فرضی ندارم و فقط چند کلمه عرض میکنم که من خواهان خوبی خواهان همه چیز ملت شوروی هستم این عرایضی که من میکنم نباید یک اشخاص فاسدی یک اشخاص بدعملی بصورت دیگری در اینجا جلوه دهند نظر من اینست که دولت شوروی روی همان اصلی که میبرد همیشه برود و محبوبیت خود را در این مملکت همه جا حفظ کند دولت شوروی بهیچوجه حق ندارد صلاح نیست که کارهایی که دولت استعماری میکند او هم بکند این قبیل کارها تاکنون یک کار هائی بوده است که همیشه دولت استعماری میکرد دولت شوروی اگر آمد چنین کارهایی کرد همان حرفی است که عرض کردم و همان حدیث نبوی را تکرار میکنم من خرج من زینهمه هدر بيشرفت دولت شوروی در اینست که بگوید بنی آدم اعضای یکدیگرند و همه اش باید روی اصل صلح و سلم زندگی بکند و کاری بکند که جنگ در دنیا بکلی از بین برود چه نتیجه ای برای دولت کرده از این حمایتی که امروز دولت آمریکا از این دولت میکند یا آن وضعیاتی که کره شمالی پیش آورد که از اینجا برسد ما باید کاری بکنیم که مملکت خودمان در این بدبختی در این وضعیت دنیا از تمام مصائب و بلیات بکلی مصون شود من بیش از این عرضی ندارم و میبیرد از عرایض دیگر (شوشتری - استدعا میکنم که این قرارداد تهازری را از نظر ما تامل دیگر بگذرانند) میخواهند نیاروند (شوشتری - حق ندارند نیاروند) باید هر قرار دادی که تصویب میشود بمجلس شورای ملی بیاورند و نظریات ملت را رویش بخواهند و میخواهند نیاروند. نطق قبل از دستور بنده عرض کنم اگر زیاد روی مردم واز نیهامت تجاوز کرد از آن حقی که جناب آقای مکی دارند اجازه دارم استفاده کنم.

نایب رئیس - مال آنهم تمام شد
دکتر مظاهری - سه ربع شده
دکتر مصدق - بنده عرض کنم که قضایای حیاتی مملکت است بنده عرض کردم که اجازه بدید
نایب رئیس - از مجلس رأی گرفتیم اجازه داد مجلس که جناب عالی ادامه بدید بفرمائید
دکتر مصدق - بیاس چشمه از دستگاه دادگستری و بی امانتانی هیئت حا که به مصالح عمومی سبب شد که در اول تیر ماه ۱۳۲۸ مجلس شورای ملی قانونی وضع کند و هیئتی بنام هیئت تصفیه کارمندان دولت تشکیل دهد که کارمندان دولت را بهر یک از بندهای الف و ب و ج که مقتضی میدانند بگذارد و این کار سبب شد که یک تحول کوچکی در امور دولتی پدیدار گردد.
راجع به بندهای مزبور دستور ماده اول قانون از اینقرار است:
الف - تعیین همه لازم و ضروری کارمندان که با رعایت احتیاجات واقعی سازمانهای دولتی باید در خدمت باقی بمانند
ب - تعیین کارمندانی که وجود آنها فواید خدمات

آن عده مردمی که موجب بدبختی و بیچارگی ما شده و اوضاع و احوال ما را باینجا رسانیده اند از بند های ب و ج رها شوند و عده زیادی از کارمندان دیگر را که عسری از افسار فساد این دستگاه متوجه آنها نبوده و بعضی از آنها حتی بنان شب محتاجند از کار برکنار کنند.
در صورتیکه تصفیه هیئت شامل نمایندگان نیست و مشمول تصفیه آن کسانی هستند که قبل از انتخابات مجلس سنا و مجلس شورای ملی کارمند رسمی دولت بوده و بعد از آنکه کار نمایندگی با حق دارند در دستگاه دولت وارد شوند و از تمامی مزایای قانون استخدام استفاده نمایند.
و همچنین تصفیه هیئت تصفیه راجع بقضات بر خلاف اصل ۸۱ و اصول دیگری قانون اساسی نیست زیرا اصل مزبور چنین گوید (هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون معاکه و ثبوت تقصیر تفریح داد) و هیئت تصفیه برای همین کار تشکیل شده و کاری برخلاف قانون مرتکب نشده است.
اگر قانون اول تیر ماه ۱۳۲۸ شامل قضات نبود چرا قبل از اجرای قانون وزارت دادگستری بآن اعتراض ننمود و حتی حاضر شد که سه نفر از اعضای خود را برای تهیه صورت و اظهار نظر نسبت بهر یک از قضات تعیین کند و پرونده قضات و نظریات هیئت ۲ نفری در زمان معاونت آقای بوذری به هیئت تصفیه ارسال شود.

هیئت مزبور شروع بکار نمود و در مدت یکسال که قانون اختیار داده بود تصفیه ای اتخاذ کرد که عموم معتمدین در حدود ۰/۰۸۵ تصفیهات مزبور سه جا و به مسورد بوده و فقط ۰/۰۱۵ آن را می توان مسردود دانست یعنی بعضی اشخاصی در بند هائی که استحقاق داشته اند وارد نشده و برعکس آنها را در بندهائی گذاردند که استحقاق آنها نداشته اند.
آیا این اشتباه و یا بقول بعضی این اعمال فرض باید سبب شود که ۰/۰۸۵ اشخاص ناشایسته هم از بند رها شوند.
در صورتیکه این کار بشود آیا دیگر کسی جرئت خواهد نمود که کوچکترین عقیده یا نظری در خیر مملکت اظهار کند؟
بر طبق ماده سوم گزارش کمیسیون دادگستری که بدینقرار تنظیم شده و اکنون در مجلس مطرح است و تشخیصات هیئت تصفیه سابق در مورد نمایندگان مجلسین از لحاظ حفظ اصول و اصل تفکیک قوای سه گانه و نسبت بصاحبان رتبه قضائی با ملاحظه اصل ۸۱ تا ۸۵ متمم قانون اساسی و نسبت به مستخدمین غیر شاغل و مشمولین باز نشستگی طبق قانون تصفیه مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ چون مخالف با قانون مذکور و خارج از حدود صلاحیت و اختیارات هیئت تصفیه بوده است امر کان و ام ممکن خواهد بود.
نتیجه عملی شدن ماده مزبور این خواهد شد که

مگر اینکه بگوئیم هیئت تصفیه قبل از اتخاذ تصفیه دوباره آقای بوذری صلاحیت داشت که بکار قضات هم رسیدگی بکند ولی پس از اینکه ایشان را در بند نا مطروب گذاشت صلاحیت خود را از دست داد بطوری که آقای بوذری را مجبور نمود ماده سوم لایحه دوله را تنظیم و بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند.
تصفیه هیئت تصفیه شامل کارمندانی است که مشمول قانون باز نشستگی نباشد خواه اینکه در موقع اتخاذ تصفیه مفاصل مقامی باشند یا نباشند در این صورت آیا می توان قبول نمود که قانون کارمندان را که در موقع اتخاذ تصفیه شامل کار نبوده اند معاف کرده است؟ این قسم تفسیر از قانون غیر از اینکه مردم هوشیار را نسبت باعضای کمیسیون بدبین و دوره ۱۶ را لکه دار کند نتیجه دیگر ندارد.
امروز دنیا ناظر اعمال ما است و هر تصمیمی که مجلس برخلاف انکار عمومی گرفت با عملی نمیشود و یا منجر بانحلال مجلس و انقلاب میگردد.
اما راجع بجناب آقای رضاحکمت (سرداد فاخر) لازم می دانم جوابی که در مقابل سؤال من یکی از اعضاء هیئت تصفیه راجع بزندانگی اجتهامی ایشان داد برض آقاییان محترم برسد.
عضو مزبور پس از بیانان جناب آقای حکمت در جلسه یک شنبه ۲۶ شهریور از من دیدن کرد و اظهار نمود که بین ایشان و اعضاء هیئت کوچکترین سابقه بد نیست و تصفیه هیئت فقط از نظر اجرای قانون بوده است و بس.

در اینموقع عده ای از نمایندگان بعنوان تعرض از جلسه خارج شدند.
نایب رئیس - آقای دکتر مصدق عده برای مذاکره کافی نیست قدری تأمل فرمائید (چون دیگر اکثریت حاصل نشد و همه و قوفا ادامه داشت هیئت رئیس جلسه را ترک نمودند)
سپس در خارج جلسه آتیه بسپح روز یکشنبه دوم مهر تعیین واعلام گردید.
نایب رئیس مجلس شورای ملی دکتر معظمی

تصفیه هیئت شامل وکیل یار رئیس مجلس نبود بلکه مشمول تصفیه کسانی هستند که قبل از ورود بمجلسین کارمند دولت بوده اند و بعد از خاتمه کار نمایندگی حق دارند بار جزو کارمندان وارد کار شوند وقتی که قانون میگردد که کارمندان را که برای دولت مفید نبوده و هایستگی برای خدمات دولتی ندارند باید در بند ج گذارده شوند و خود آقای حکمت در مجلس اینطور اظهار فرمودند: «راجع بزندانگانی خود باید عرض کنم تمام مردم فارس و شاید بیشتر اهالی ایران می دانند که از آغاز جوانی دارای متجاوز از چهل یار چه دوازده موروثی بودم بتدریج در طول سنوات زندگانی املاک مزبور را بضمیمه خانه های شیراز و خانه های طهران برای حفظ حیثیت خود فروخته شرافتندانه امرار معاش نموده ام و کار ایشان با آن همه منول و مال اکنون بجای رسیده است که چک بی محل (بعضی از نمایندگان - اینطور نیست (زنک نایب رئیس) رئیس مجلس توهین نکنید مجلس را متشنج نکنید) - **۳- ختم جلسه**
دکتر مصدق - نمره دارد

تصفیه هیئت تصفیه شامل کارمندان است که مشمول قانون باز نشستگی نباشد خواه اینکه در موقع اتخاذ تصفیه مفاصل مقامی باشند یا نباشند در این صورت آیا می توان قبول نمود که قانون کارمندان را که در موقع اتخاذ تصفیه شامل کار نبوده اند معاف کرده است؟ این قسم تفسیر از قانون غیر از اینکه مردم هوشیار را نسبت باعضای کمیسیون بدبین و دوره ۱۶ را لکه دار کند نتیجه دیگر ندارد.
امروز دنیا ناظر اعمال ما است و هر تصمیمی که مجلس برخلاف انکار عمومی گرفت با عملی نمیشود و یا منجر بانحلال مجلس و انقلاب میگردد.
اما راجع بجناب آقای رضاحکمت (سرداد فاخر) لازم می دانم جوابی که در مقابل سؤال من یکی از اعضاء هیئت تصفیه راجع بزندانگی اجتهامی ایشان داد برض آقاییان محترم برسد.
عضو مزبور پس از بیانان جناب آقای حکمت در جلسه یک شنبه ۲۶ شهریور از من دیدن کرد و اظهار نمود که بین ایشان و اعضاء هیئت کوچکترین سابقه بد نیست و تصفیه هیئت فقط از نظر اجرای قانون بوده است و بس.